دریچه

«کاناپه» به نمایش عمومی درنیامد

فراموش‌شدن نقش مهم مسئولان به چه قیمت

فرانک آرتا

● بالاخره پرونده اکران فیلم «کاناپه» مختومه و بر اساس خبر رسمی سازمان سینمایی غیرقابل‌نمایش تشخیص داده شد! هرچند این تصمیم‌گیری عجیب و دور از ذهن نبود و از زمان آماده‌شدن فیلم به‌راحتی قابل‌پیش‌بینی بود که فرجام آن چیزی جز «توقیف» نخواهد بود، اما بااین‌حال این واقعه ما را به موضوع مهم‌تری هدایت می‌کند که همانا غیرپاسخ‌گوبودن برخی از مسئولان فرهنگی - هنری در برابر اموری است که همواره به آنها مربوط می‌شود! واقعیت این است که مسئولان وقت در زمان ساخت و فیلم‌برداری «کاناپه» از اصل موضوع که همانا استفاده از کلاه‌گیس بازیگران زن در داخل خانه و مقابل محارم خود - و نه در خیابان و انظار عمومی - مطلع بودند، اما ظاهرا تبعات آن را به شخص کارگردان واگذار کردند. شاید چنین تصمیمی در زمان ساخت فیلم کمی به‌اصطلاح متهورانه تلقی می‌شد، اما آیا این به این معنی است که مدیران بعدی - فعلی - برای ترس از ترک صندلی مدیریت به دنبال راه‌حل برای رفع مشکل فیلم نباشند و در نهایت سرنوشت یک فیلم را به دست روزگار بسپارند؟ فیلم «کاناپه» به گواه افرادی که آن را دیده‌اند، فیلمی بسیار خوب با ساختار درست سینمایی است که جامعه امروز را به تصویر می‌کشد و به دور از هرگونه اغراق و گزافه‌گویی از فقر و بی‌پولی که از دل شرافت و آبرومندی بیرون آمده دفاع می‌کند. «کاناپه» فیلمی در مدح انسانیت با همه مشکلات موجود در جامعه است و در نهایت سادگی، شرافت یک انسان دردمند را به نمایش می‌گذارد. فیلم‌ساز هم به دلیل وفاداری به اصل واقعیت - که اصولا در جامعه ما زنان در داخل خانه و مقابل محارم خود حجاب ندارند- دست به ابتکار زده و از کلاه‌گیس استفاده کرده است، هرچند که چنین کاری مسبوق به سابقه بوده؛ چنانچه در آثاری مثل «بازمانده» و سریال‌های «امیرکبیر» و «یوسف پیامبر» کلاه‌گیس کاربرد مؤثری در تصویر واقعیت داستانی داشته است، اما حالا مدیران فعلی سازمان سینمایی به راحتی پرونده چنین فیلمی را مختومه اعلام می‌کنند. چرا؟! شاید یکی از دلایل آن خنثی‌بودن آنهاست، چون دست‌کم در جو فرهنگی - هنری امروز کسی به دلیل خنثی‌بودن مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد، مانند قطاری متوقف که تا وقتی حرکت نکند، مصون است، اما به محض اینکه حرکت خود را آغاز می‌کند، مورد هجوم انواع و اقسام سنگ‌های ریزودرشت قرار می‌گیرد! شاید هم دلشان نمی‌خواهد دنبال دردسر بروند و شاید هم دلایل موجهی دارند که از آن بی‌خبریم، اما دلیل آن هرچه که باشد، چیزی از مسئولیت آنها کم نمی‌کند! سؤال این است که آیا واقعا آن‌قدر سخت است که سراغ مراجع تقلید دلسوز و افراد آشنا به فقه و اصول و احکام اسلامی بروند و از آنها درخواست کنند بر اساس نظرات فقهی موضوع را بررسی کنند. یعنی جز این بود که مشکل فیلمی مثل «آدم‌برفی» که در آن بازیگر مرد (اکبر عبدی)، نقش زن را بازی می‌کرد در زمان صدارت حجت‌الاسلام محمدعلی زم، بر حوزه هنری از طریق کمک فکری برخی از مراجع حل شد و کار حالا به جایی رسیده که ماشاءالله بسیاری از بازیگران زن، دارند نقش مرد و برعکس را بازی می‌کنند! حتما این روزها تصویر گریم مردانه نیوشا ضیغمی را که فراموش نکرده‌اید!پس بهتر است به این نکته مهم توجه کرد که فیلم «کاناپه»، فیلمی به غایت فرهنگی است که در وانفسای سیطره فیلم‌های مبتذل و کمدی بد، باید دغدغه مسئولان فرهنگی - هنری باشد، نه‌اینکه آن را از خط تولید خارج کنند و راحتی خود را بر هر چیز دیگری ترجیح دهند!

یاددوست

رضا امیر یاراحمدی درگذشت

● رضا امیر یاراحمدی، هنرمند پیش‌کسوت و عضو مؤسسین و هیئت‌مدیره انجمن مجسمه‌سازان، چهارشنبه، ۲۵ مهر، بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت. ساخت ساختمان اجلاس کنفرانس سران، بازسازی نمای ساختمان مجلس شورای ملی در بهارستان و همچنین ساخت پیکره برنزی ابوالقاسم فردوسی، مولانا، ابونصر فارابی، ابن‌سینا و سردار مجید بقایی از فعالیت‌های هنری این هنرمند به شمار می‌آیند. پیکر زنده‌یاد یاراحمدی، یکشنبه، ۲۹ مهر، ساعت ۹ صبح از مقابل خانه هنرمندان ایران تشییع می‌شود و در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا (س) به خاک سپرده خواهد شد.

«کاناپه» مستحق توقیف است؟

عکس: مزدک عیاری

بهناز شیربانی: اکران فیلم سینمایی «کاناپه»، به کارگردانی کیانوش عیاری، منتفی شد. این خبر را ابراهیم داروغه‌زاده، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی، در بخشی از گفت‌وگویش با خبرگزاری مهر اعلام کرد. طبق گفته او: ««کاناپه» به دلیل مسئله حجاب اساسا امکان اکران ندارد و پرونده نمایش آن منتفی است. این مسئله به آقای عیاری هم اعلام شده است». سال‌هاست که جریان فیلم‌سازی کیانوش عیاری را دنبال می‌کنیم و هربار او را به‌خاطر نبوغش در به‌تصویرکشیدن قصه‌هایی که از دغدغه‌هایش نشئت می‌گیرد تحسین کرده‌ایم. او جزء معدود کارگردان‌هایی است که در ماجرای رسیدن فیلم‌هایش به پرده سینما خوش‌اقبال نبوده و به‌زعم عیاری می‌توان در سرنوشت آنها ردپایی از سوءتفاهم ایجادشده از طرف مدیران سینما در ارتباط با برخی فیلم‌هایش را دید. سال‌هاست که از ساخت «خانه پدری» می‌گذرد؛ فیلمی که تنها در جشنواره فیلم فجر سی‌ودوم دیده شد و تحسین منتقدان و اهالی رسانه را به دنبال داشت و بعد از آن به محاق توقیف رفت و بعد از مدت‌ها در روزهای چهارم و پنجم دی‌ماه ۱۳۹۳ در گروه هنروتجربه در پردیس سینمایی کوروش تنها در چند سانس محدود به نمایش درآمد و استقبال فراوانی از آن شد، اما پس از آن، اکران فیلم متوقف شد. گره ازتوقیف‌درآمدن این فیلم همچنان باز نشده و کیانوش عیاری به‌هیچ‌وجه موافق دخل‌وتصرفی در فیلم برای نمایش عمومی آن نیست. عیاری در آخرین گفت‌وگویی که در روزنامه «شرق» در ویژه‌نامه نوروزی با شهرام مکری داشت، در بخشی از صحبت‌هایش به دو فیلم اخیرش؛ «خانه پدری» و «کاناپه» اشاره کرد و گفت: ««کاناپه» شرایط دشوارتری دارد. درباره «خانه پدری» شرایط به‌گونه دیگری است و به نظرم یک سوءتفاهم محض و قطعی درباره این فیلم اتفاق افتاده است. بارها این را گفته‌ام که اگر به‌جای اینکه مهران رجبی در کار سنتی فرش و این‌جور چیزها بود که نشان می‌دهد ارتباطی با بازار دارد، شغل دیگری داشت؛ مثلا آپاراتچی سینمای آن دوران بود یا در اداره پست کار می‌کرد و مخابراتچی بود، آیا چنین اتهاماتی متوجه فیلم می‌شد؟ یقین دارم که نمی‌شد. وجود این شغل تا حد زیادی باعث شد درباره این فیلم موضع‌گیری شود. از طرفی من عامدانه به‌خاطر معنادارشدن فیلم، به سمت شغل مهران رجبی در فیلم نرفتم؛ بلکه از این منظر وارد شدم که فکر کردم این فرد باید شغلی داشته باشد که ریشه‌دار است و درعین‌حال اصالت و زیبایی دارد و بتواند خانواده‌ای را نسل‌به‌نسل دربر بگیرد؛ چراکه این شغل به‌گونه‌ای است که سرمایه خانواده محسوب می‌شود و باید به همین شکل حفظ شود. اتفاقا پیش از اینکه فیلم «خانه پدری» در جشنواره فیلم فجر دیده شود، سکانسی در فیلم بود که شمشیری در زمین فرو می‌رود که از اسباب تعزیه بود. من این پلان را دوباره قبل از اینکه فیلم به جشنواره ارائه شود، فیلم‌برداری کردم. خودم حس کردم می‌تواند بار منفی زیادی داشته باشد و این‌بار شمشیری معمولی در زمین فرو می‌رود. بعد از دیده‌شدن فیلم دیالوگ‌های عجیبی درباره این سکانس شنیدم؛ ازجمله اینکه آقای پژمان‌فر تعبیری اشتباه از این سکانس داشت. این حرف ۱۰ روز قبل از آغاز جشنواره گفته شد و باعث شد فیلم نابود شود. کسی که به دنبال بهانه باشد، می‌تواند در بسیاری از فیلم‌ها چنین موردی را پیدا کند. فیلم «خانه پدری» قربانی یک سوءتفاهم است و بس. این را با قاطعیت می‌گویم. یک سوءتفاهم که بر اساس تنگ‌نظری است؛ اما «کاناپه» داستان دیگری دارد و فیلمی است که از قبل به شش نفر خانمی که قصد داشتند در این فیلم بازی کنند، گفتم فکر نکنید با این فیلم به عرش خواهید رسید. این فیلم به احتمال بسیار زیاد توقیف خواهد بود و شما اصلا دیده نمی‌شوید. باوجوداین از سه هزارو ۲۵۰ نفری که در پنج روز به دفتر آقای ساداتیان برای تست آمدند، از هر صد نفر، ۹۰ نفر می‌پذیرفتند که موهایشان را بزنند. خیلی برایم جالب بود که بر اساس چه چشم‌اندازی تن به این کار می‌دهند؟ فیلم «کاناپه» ساخته شد و به‌خاطر دلواپسان احتمالی که فردایی نامعلوم نگویند عیاری کلک زد و با موهای خود بازیگران فیلم‌برداری شد، از همه مراحل تراشیدن سر این خانم‌ها و پوستیژگذاشتن آنها فیلم‌برداری کردیم. به نظرم توقیف این فیلم از عجیب‌ترین کارهایی است که می‌شد انجام داد. به مرور ثابت خواهد شد که فیلم «کاناپه» یک ضرورت تاریخی است. نه‌فقط برای سینمای ایران؛ بلکه برای جامعه ایران. برای اینکه جامعه باید این سمت برود که بی‌آنکه توهینی به ارزش‌ها شود، مقداری گشودگی درباره این جریان اتفاق بیفتد. از سوی دیگر این فیلم پیشنهادی برای سینمای ایران است؛ نه جامعه. متأسفانه این ضرورت تاریخی را با قدرتی که دارند، سعی می‌کنند نادیده بگیرند. این فیلم مستحق توقیف نیست».

عیاری از بعد از ساخت «کاناپه» در بسیاری از گفت‌وگوهایش اعلام کرد که با این شرایط هرگز فیلمی نخواهد ساخت که زن در خلوت یا در کنار محارمش حجاب داشته باشد یا زن‌ها باید از فیلم‌هایش حذف شوند که این خیلی عجیب است و تقریبا نزدیک به غیرممکن یا اینکه خانم‌ها در فیلم‌هایش در اماکن عمومی دیده شوند.

او در بخش دیگری از گفت‌وگویش با «شرق» درباره اینکه برخی تصور می‌کنند با ساخت سریال برای تلویزیون تصمیمش درباره شرایط فیلم‌سازی‌اش عوض شده است، گفت: «روش فیلم‌سازی من بعد از «کاناپه» به این‌گونه است. از طرفی عده‌ای منتظر دیدن سریال «۸۷ متر» هستند که پس اینجا آیا حجاب رعایت خواهد شد یا خیر؟ سال‌ها پیش قراردادی با تلویزیون داشتم و در حال اجرای آن هستم. قطعا در هر کاری که مربوط به خودم است، این موضوع را پیگیری می‌کنم؛ اما در کاری که متعلق به یک سازمان دولتی است، ناچارم از این ماجرا فاصله بگیرم. این نشانه دورویی فیلم‌ساز نیست. این یک ضرورت مقبول است و باید این افتراق را پذیرفت».

مدت‌هاست که پرونده اکران فیلم‌های توقیفی باز شده و در این مدت سعی شده با نمایش برخی از این فیلم‌ها علاوه‌بر احترام به خواسته مخاطب و سینماگرانی که سال‌ها سرمایه و نتیجه تولید هنری اثرشان در محاق توقیف مانده است، شرایط مطلوب‌تری حاصل شود. بعد از نمایش برخی از فیلم‌های توقیفی، بسیاری از سینماگران و اهالی سینما از بی‌خطربودن نمایش این فیلم‌ها و احترام به سلیقه مخاطب نوشتند و یادآوری کردند که نمایش این‌دسته از آثار اتفاق جنجال‌برانگیز و خطرناکی برای سینما نخواهد بود. بااین‌حال هنوز هم برخی از آثار سینمایی در بلاتکلیفی رسیدن به اکران مانده‌اند. باید دید در آینده چه تصمیمی برای آنها اتخاذ خواهد شد؟

گفت‌وگو با شاهرخ دولکو، نویسنده و منتقد

سلیقه‌هاست که فیلم‌ها را توقیف می‌کند

رضا آشفته: گویا فیلم «کاناپه»، آخرین ساخته کیانوش عیاری، برای همیشه باید در محاق توقیف بماند. ما دراین‌باره نظر شاهرخ دولکو، سینمایی‌نویس برجسته کشورمان را جویا شده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

با توجه به اینکه اعلام شده فیلم کاناپه برای همیشه توقیف شده است، در ابتدا می‌خواهیم بدانیم شما چه نظری درباره این توقیف دارید؟

من اول بگویم که فیلم کاناپه را ندیده‌ام و فقط تعدادی از دوستانم در یک اکران خصوصی موفق به دیدنش شده‌اند و من هم از جمله این دوستان خوشبخت نبوده‌ام، اما می‌توانم بگویم که به سبک کار کیانوش عیاری در فیلم‌هایش علاقه‌مندم. بنابراین طبعا اگر قرار باشد فیلمی از او توقیف شود، به نظرم برای سینمای ایران یک اتفاق ناگوار است. درباره فیلم کاناپه، چون هنوز آن را ندیده‌ام طبعا نمی‌توانم اظهارنظری کنم، اما درباره اصلی‌ترین مسئله آن که استفاده از کلاه‌گیس در لوکیشن‌های داخلی است، می‌توانم نظر بدهم.

بله بفرمایید؟

درباره این مسئله دو دلیل هست که می‌تواند در حل آن مؤثر باشد؛ یک اینکه، از قبل اعلام شده که در فیلم از کلاه‌گیس استفاده شده و این قضیه به‌طور رسمی هم اعلام شده است. پیش از این هم در خیلی از فیلم‌ها مسئله مو مطرح بوده و مسائل دیگری که با همین اعلام عمومی حل‌وفصل شده‌اند؛ برای مثال در فیلم آقای کاهانی، اگر اشتباه نکنم، فیلم «استراحت مطلق» از قبل اعلام می‌شود که رضا عطاران و همسرش در این فیلم دارند بازی می‌کنند و چون اینها زن‌وشوهرند در طول فیلم دست همدیگر را می‌گیرند و زن بدن نیمه‌عریان همسرش را می‌بیند و چیزهایی از این دست و طبعا مشکلی هم پیش نمی‌آید. برای فیلم «کفش‌هایم کو»ی آقای پوراحمد نیز در همان ابتدا کپشنی آمد که دست‌های خانمی که دست آقای کیانیان را لمس می‌کند، دست همسر ایشان است.

البته در تئاترها نیز گاهی پیش می‌آید که به‌ناچار از کلاه‌گیس استفاده می‌کنند و مشکلی در ممیزی نداشته‌اند؟

بله، این اتفاق از سوی آقای عیاری اصلا نوآورانه هم نیست، چون هم بارها در تئاتر از کلاه‌گیس استفاده شده و هم در سینما و هم در تلویزیون که می‌دانیم ممیزی‌های سخت‌گیرانه‌تری برای سریال‌هایش در نظر می‌گیرد، بارها از کلاه‌گیس استفاده شده و چون تماشاگر هم با همان اعلام رسمی می‌داند کلاه‌گیس به‌جای موست، مشکلی هم پیش نیامده است.

بنابراین چه انتظاری از مسئولان می‌رود؟

اینکه مسئولان با سعه صدر برخورد کنند و روش مناسب‌تری برای حل مشکل توقیف فیلم کاناپه در نظر بگیرند، چون حتما راه‌های بهتر و جدیدتری برای اینکه سر صحبت برای حل مشکل این فیلم باز شود وجود دارد و باید نکات مهم ماجرا را گوشزد کنند تا شاهد توقیف آن نباشیم، چون الان با توجه به اعلام رسمی فیلم کاناپه و اینکه در فیلم‌های دیگر نیز چنین چیزی بوده و مشکلی هم نبوده است، توقیف این فیلم حیرت‌آور به‌نظر می‌رسد و بنابراین همان بهتر که شیوه بهتری برای صحبت و حل مسئله این فیلم در نظر گرفته شود. درکل نه این مسئله جدید است و نه این مسئله غیرقابل‌حل و باید که در نهایت به‌درستی برای حل‌وفصلش اقدام شود.

با توجه به اعلام آقای داروغه‌زاده مبنی بر توقیف همیشگی فیلم، آیا می‌توان امیدوار بود که راه‌حل دیگری هم باشد؟

این‌طور نیست. دورادور شناختی از آقای داروغه‌زاده دارم و می‌دانم که ایشان انسان دوراندیشی است و مدیریت قابل‌قبول و مثبت‌اندیشی دارد، به‌همین‌دلیل بعید می‌دانم ایشان دقیقا منظورشان این باشد. این لفظ «برای همیشه»، شاید یک بازی مطبوعاتی باشد و شاید رسانه‌ها آن را گفته باشند. اصلا از نظر من چیزی به نام «برای همیشه» وجود ندارد. فقط خدا برای همیشه هست و همه‌چیز غیر از او امر نسبی است و نه در ایران به‌لحاظ جغرافیایی و تاریخی و نه در جهان به‌لحاظ جغرافیایی و تاریخی هیچ‌چیزی برای همیشه نیست و همه‌چیز نسبی است. در ایران مسائل و حل آنها بستگی به این دارد که چه مسئولی سر کار باشد و چه شرایطی حاکم باشد و ما در چه دوره‌ای به‌سر ببریم. بارها دیده‌ایم که فیلمی توقیف شده، اما با رفتن یک مدیر و آمدن مدیر بعدی شرایط هم تغییر کرده و فیلم‌ها رفع‌توقیف شده و از محاق بیرون آمده‌اند. اگر فیلم کاناپه هم مشکلش همین کلاه‌گیس باشد که گفته‌اند، مشکل کاملا حل‌شدنی است.

با توجه به تعدد فیلم‌های توقیفی، می‌توان گفت که این توقیف‌ها باعث مهار و انحراف در تولید فیلم خواهد شد؟

هیچ تغییری ایجاد نخواهد شد. ما در مقطعی هستیم که شما بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی را می‌بینید که در کشور ما به وجود می‌آید و بعد هیچ‌چیز تغییری نمی‌کند، اما در تمام دنیا این تغییرات، تغییرات بعدی را به وجود می‌آورند. متأسفانه ما در ایران حافظه کوتاه‌مدتمان کار می‌کند و اصلا حافظه بلندمدت نداریم. همه‌چیز بعد از دو روز فراموش می‌شود و با دیده اغماض حداکثر سه روز طول می‌کشد که فراموش شود. اینکه فیلم‌های بسیاری هم توقیف شوند، باز هم دوباره فیلم‌سازان و تهیه‌کنندگان به کارشان ادامه می‌دهند، چون توقیف‌ها بنابر ضابطه و قانون نیست، بلکه بر اساس تفاسیر متعدد مدیران است و هر یک موضوع و مسئله‌ای را نسبت به فیلم‌ها ابراز می‌کنند. مدیران هم مدام و به‌سرعت تغییر می‌کنند و شرایط نیز تغییر می‌کند و بنابراین همه‌چیز کن‌فیکون می‌شود و می‌توان فیلم را از توقیف درآورد یا راه‌حلی برای عبور از آن پیدا کرد. فیلم‌سازان نیز در این شرایط ترجیح می‌دهند کار خودشان را بکنند و حتی اگر توقیف چندسال هم به درازا بکشد، باز هم امکان رفع توقیف هست و درکل نمی‌تواند تأثیر عمیقی بر جریان سینما بگذارد که باعث انحراف در تولید شود.

آیا جبرانی هم برای ضررهای اقتصادی و مالی این فیلم‌ها در نظر گرفته می‌شود؟

من دقیقا نمی‌دانم و باید مسئولان و فیلم‌سازان دراین‌باره پاسخ بدهند، اما شنیده‌های من از پشت‌پرده این است که برای فیلم‌ها به‌لحاظ اقتصادی مسائلی را در نظر می‌گیرند و از شرایط مالی ویژه‌ای برای جبران ضرروزیان فیلم‌ها استفاده می‌شود. دراین‌باره شاید خود فیلم‌سازان و تهیه‌کنندگان سینما بهتر بتوانند آمار بدهند.

آیا راه‌حلی برای پرهیز از این‌همه تکرار فیلم‌های توقیفی هست؟

هیچ راه‌حلی وجود ندارد، چون در همه‌جای دنیا بر اساس قوانین رفتار می‌کنند و قانون حد نهایی اصول است، اما چون ما قانون را رعایت نمی‌کنیم همواره این مسئله وجود دارد؛ برای مثال حوزه هنری نیز با اکران برخی از فیلم‌ها در سینماهای وابسته به خودش مشکل دارد و مانع از اکران آنها می‌شود، درحالی‌که رفتار آنها به این شکل و درحالی‌که فیلم‌ها پروانه نمایش قانونی دارند غیرقانونی است. همه این فیلم‌ها از وزارت ارشاد با طی‌کردن تمام مراحل قانونی به مجوز پخش رسیده‌اند و باید الان اکران شوند. اگر حوزه هنری مشکلی دارد (که حتما دارد) باید در گفت‌وگو با وزارت ارشاد یا حکمیتی بالاتر آن را حل کند و آن را تبدیل به یک قانون کند. ما مشکلمان این است که نمی‌خواهیم قوانین را رعایت کنیم و توقیف‌ها هم به همین دلیل است وگرنه این آثار منع قانونی ندارند و فقط سلیقه‌هاست که چنین توقیف‌هایی را به وجود می‌آورد.

نگاه

امیدوارم راه‌حل میانه‌ای برای رفع توقیف «کاناپه» باشد

خسرو دهقان

● **گروه هنر:** خسرو دهقان، منتقد و تدوینگر سینما، با توجه به توقیف فیلم «کاناپه» کیانوش عیاری گفت: پیش از این هم «خانه پدری»اش توقیف شده بود و درحال‌حاضر نمی‌دانم چه باید بگویم جز اینکه بگویم امیدوارم راه‌حل میانه‌ای هم باشد و این مسئله این‌همه کشدار نشود؛ یعنی یک راه سومی به‌دور از اعلام شورای نظارت و ارزشیابی که کاناپه توقیف شده و اینکه کیانوش عیاری هم باید متوجه نکاتی باشد و تا ابد اصرار نداشته باشد که فقط یک راه وجود دارد.

او با توجه به اینکه فیلم‌ها مجوز ساخت دارند، اما در زمان تولید امکان دارد که چیزهایی را رعایت نکنند، گفت: مجوز اکران با مجوز ساخت متفاوت است و شاید برخی از دوستان چارچوب‌ها را رعایت نکرده باشند و من دراین‌باره متأسف می‌شوم وقتی قرار باشد کاناپه توقیف شود و به‌جرئت می‌گویم که این خبر خوبی نیست.

این منتقد درباره حکم وزارت ارشاد برای همیشگی‌بودن توقیف فیلم کاناپه گفت: به‌هرحال قدرت در دست آنهاست و من بیشتر احساس تأسف می‌کنم اگر بخواهد چنین بشود؛ البته چون فیلم کاناپه را ندیده‌ام در جریان جزئیات این اختلاف نیستم و نمی‌دانم چه باید کرد. کاری هم از دست ما برنمی‌آید. امیدوارم راه‌حل میانه‌ای برای حل این معضل باشد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

فیلمی با بازی شهاب حسینی بین نامزدهای جوایز فیلم مستقل بریتانیا

● جوایز فیلم مستقل بریتانیا که بیشتر با نام (BIFA) شناخته می‌شود، فهرست اولیه نامزدهای خود را در چهار بخش با عنوان کلی «استعدادهای نو» در روز ۱۹ اکتبر اعلام کرد.

این بخش‌ها شامل بهترین پیشرفت در زمینه تهیه‌کنندگی، فیلم‌نامه‌نویس فیلم‌اولی، امیدوارکننده‌ترین استعداد نو و کارگردان فیلم‌اولی هستند.

اسامی نامزدهای این بخش‌ها تا روز اعلام فهرست رسمی نامزدها که موعد آن ۳۱ اکتبر است، به پنج نامزد کاهش پیدا می‌کند.

از نکات این فهرست می‌توان به حضور میترا تبریزیان و سیروس مسعودی، دو سینماگر ایرانی‌تبار، در میان نامزدهای فیلم‌نامه‌نویسان فیلم‌اولی (۱۴ نامزد) برای فیلم «غلام» اشاره کرد.

داستان فیلم «غلام» درباره یک راننده تاکسی مرموز است که گذشته‌اش او را رها نمی‌کند. شهاب حسینی بازیگر این فیلم است.

نامزدهای نهایی بیست‌ویکمین دوره جوایز فیلم مستقل بریتانیا روز ۳۱ اکتبر اعلام می‌شوند.

مراسم اهدای جوایز دوم دسامبر در شهر لندن برگزار می‌شود.

جایزه ویژه‌ی جشنواره استکهلم برای اصغر فرهادی

● اصغر فرهادی جایزه ویژه‌ی جشنواره ۲۰۱۸ استکهلم (Visionary Award) را دریافت می‌کند.

جشنواره فیلم استکهلم با اعلام این خبر در نشست خبری این فستیوال، از حضور اصغر فرهادی در این فستیوال برای دریافت این جایزه که یک اسب برنز است، خبر داد.

جشنواره فیلم استکهلم در خبر اهدای این جایزه به فرهادی نوشته است: «این جایزه به اصغر فرهادی تعلق می‌گیرد، زیرا او یکی از استادان برجسته سینما در دنیاست. او به شکل پیوسته مسائل معاصر و روزمره را در فیلم‌هایش بررسی می‌کند و تأثیر آنها را در روابط نزدیک آدم‌ها نشان می‌دهد. داستان‌های او به شکلی ظریف بین روشنفکری و رازآلودی در حرکتند؛ این حرکت به‌قدری طبیعی است که برای هیچ‌کس دیگری قابل تقلید نیست. اصغر فرهادی بدون‌شک برای نسل جدید فیلم‌سازی در ایران بسیار ارزشمند است و به همان میزان برای دوستداران سینما در سرتاسر جهان. بنابراین افتخار بزرگی است که جایزه ویژه‌ی ۲۰۱۸ استکهلم به او تقدیم شود».

جایزه ویژه‌ی استکهلم از سال ۲۰۰۴ در فستیوال فیلم استکهلم به نوآوران سینما داده می‌شود و پیش‌تر به وس اندرسون، پابلو لارین و آلخاندرو گونزالس اینارِیتو داده شده است.

فستیوال فیلم استکهلم از هفتم تا هجدهم نوامبر (شانزدهم تا بیست‌وهفتم آبان‌ماه) در سوئد برگزار خواهد شد. فیلم «همه می‌دانند» نیز در این فستیوال نمایش داده خواهد شد.